

اهداف و مقاصد احکام شریعت

چکیده

یکی از مسائل مهم دین اسلام که توجه علما را به خود جلب کرده، اهداف و مقاصد شریعت است و این که آیا خداوند به عنوان شارع از جعل این احکام هدفی را دنبال کرده است یا نه؟

با توجه به حکمت خداوند متعال نمی توانیم بگوییم خداوند عملی را بدون هدف و غرض و به صورت لغو و بیهوده انجام داده است، اما این که آیا ما قادر به کشف این مقاصد هستیم؟ و آیا می توانیم بر مبنای مقاصد الهی حکم موضوعات جدید فقهی را به دست بیاوریم؟ محل بحث و گفتگوهای فراوانی واقع شده و علما در این زمینه اختلاف نظرهایی دارند.

در این مقاله در مورد تبعیت احکام از مصالح و مفاسد و راه های کشف مقاصد الهی و برخی موارد دیگر مطالبی بیان می شود که این ها مقدمه ی پرداختن به فقه مقاصدی یا فقه اولویت ها است که مستقیماً راجع به آن سخنی به میان نمی آید و بررسی این مطلب که با توجه به این موضوع کدام یک از مسائل جدید فقهی قابل حل است نیاز به فرصت دیگری دارد.

واژگان کلیدی: اهداف و مقاصد، احکام، شریعت، مصلحت.

طرح بحث

یکی از دانش‌های مرتبط با فقه که از دانش‌های نوپا به شمار می‌رود و در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است فلسفه فقه می‌باشد و یکی از عناوین مربوط به این دانش که بسیار کاربرد دارد، بررسی اهداف و مقاصد احکام شریعت است. اگر چه این مقاصد از زمان‌های بسیار دور مورد توجه بوده و شاهد بر این مدعا تالیف کتبی با عناوین علل الشرایع، مقاصد الشریعه، علل الشریعه واحکامهاو ... از دیرباز می‌باشد.

ولی آن چه به تازگی مورد توجه قرار گرفته، مسائل مستحدثه و مشکلاتی است که به سبب مقتضیات زمان و مکان به وجود می‌آید؛ و این سؤال که آیا برای پیدا کردن حکم این مسائل می‌توانیم اهداف و مقاصد شریعت را استخراج کنیم و بر موارد نوظهور تطبیق دهیم؟ تا از این رهگذر حکم این مسائل به دست بیاید و مشکل جامعه‌ی کنونی حل شود.

البته رسیدن به این مرحله که با عنوان فقه مقاصدی مطرح است مستلزم پیمودن مراحل و یافتن پاسخ‌هایی است که مقدمات این فقه به شمار می‌روند، به طور مثال باید ببینیم آیا اصلاً شارع، هدف و مقصدی از تشریح احکام داشته است؟ آیا بر فرض وجود، کشف این مقاصد برای ما مقدور است؟ و موارد دیگر.

در این نوشتار به دلیل محدودیت‌هایی که وجود دارد چند مورد از این مقدمات را مطرح می‌شود و به بررسی و تطبیق فقه مقاصدی که خود بحث مستقلی را می‌طلبد، پرداخته نمیشود.

مفهوم شناسی

قبل از شروع بحث توضیح مختصری در مورد بعضی مفاهیم مرتبط به موضوع، لازم به نظر می‌

رسد:



اهداف و مقاصد: مقصد و هدف در لغت به معنی جایی است که قصد شده یا محلی که آهنگ آن کرده اند. در اصطلاح علم اصول منظور از مقصد و هدف، غایت جعل حکم و آن اسراری است که حکم به خاطر آن ها تبیین شده و شارع به دلیل رسیدن به آن هدف، مکلفین را به انجام دستوراتی امر می کند.

از نظر بعضی، مقاصد کاملا مترادف با حکمت به کار می رود، (ایازی، ملاکات احکام و شیوه های استکشاف آن، صص ۲۹-۳۰) و حکمت هم مترادف با علت است. اگرچه دقیقا عین آن نیست چون اگر مجتهد علت حکم را بداند می تواند حکم را به مورد دیگری که همین علت را دارد سرایت دهد اما در مورد حکمت چنین اجازه ای وجود ندارد چون کشف همه ی مصالح و مفاسد احکام برای ما امکان ندارد. (علوی و وکیل زاده، مقاله تاملی بر فلسفه ی احکام و مقاصد شرع، ص ۱۶۶)

مصلحت: مصلحت در لغت به معنی سود، فایده، بهره و نفع و جمع آن مصالح می باشد. احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد است. وقتی می گویند بر یک فعل شرعی مصلحتی مترتب است یعنی یک فایده ی دنیوی یا اخروی، فردی یا اجتماعی و ... دارد.

منظور از مصلحت در احکام شرعی، محافظت بر مقصود شرع است و مقصود شرع از خلق پنج چیز است: حفظ دین، جان، عقل، نسل و مال مردم، پس هر چیزی که باعث حفظ این پنج اصل شود مصلحت است و هر چیزی که باعث از بین رفتن آن ها شود مفسده است. (اصفهانی، فرهنگ اصطلاحات اصول، ص ۴۴۴)

شریعت: شریعت چیزی است که از کلام شارع یعنی قرآن و سنت به دست می آید و به طور مجازی بر کلمات فقها و فتاوی مجتهدان اطلاق میشود. امروزه شریعت به مفهوم دین هم به کار می رود.

در کاربرد قرآنی به مفهوم احکام و آداب دینی نزدیکی بیشتری دارد، قرائن کلامی هم نشان



می دهد که مقصود از شریعت همان احکام دینی است و در فقه هم به همین معنا می باشد؛ (سلطانی، اهداف دنیوی فقه، صص ۲۰-۲۱) و در این مقاله هم به همین معنا استفاده می شود.

تعبد یا تحلیل در احکام

یکی از مباحثی که مورد توجه و محل بحث و اختلاف نظر فقها می باشد، این است که آیا احکام شرعی تعبدی اند یا عقلی؟ و جایگاه عقل در احکام شرعی کجاست؟

این مطلب مخصوصا برای کسانی که فقه را در مورد مشکلات و مسائل جدیدی که بر مبنای مقتضیات زمان و مکان پیش می آید پاسخگومی دانند بسیار حائز اهمیت است.

مشهور این است که اکثر فقهای شیعه در احکام شرعی قائل به تعبد هستند و نظر علمای اهل سنت هم همین است و افرادی مثل شاطبی عقل را در احکام شرعی تابع نقل معرفی می کنند.

کسانی هم که قائل به درک مصالح و مفاسد احکام و ملاکات احکام توسط عقل شده اند، قدر متیقن آن را مربوط به احکام باب معاملات می دانند که امکان یافتن ملاکات و دسترسی به

مصالح و مفاسد این احکام هم با دقت و اجتهاد فراوان ممکن است.

البته نکته ی مهم این است که غیرعقلی بودن و تعبدی بودن عبادات به معنای ناهماهنگی عقل

و دین و این که تعقل مطلقا در آن ها راه ندارد نیست؛ گرچه اصل در عبادات عدم تعلیل است، اما در واقع آن ها نزد خداوند دلیل خاص خود را دارند و منظور از تعبدی بودن این است که بشر،

قدرت دستیابی کامل به علت هایی که نزد خداوند می باشد را ندارد و عقل، فقط در کنار وحی و با کمک گرفتن از آیات و روایات می تواند علل را درک کند. (علوی و وکیل زاده، تاملی بر فلسفه ی

احکام و مقاصد شرع، صص ۱۷۰-۱۷۱)

وقتی تعلیل پذیر بودن احکام را پذیرفتیم می توانیم در مورد مقاصد شریعت صحبت کنیم.



مقاصد شریعت

نصوص و متون معتبر دینی و عقل سلیم بر هدفمند بودن شریعت اسلام دلالت می کنند.

قرآن کریم در آیات بسیاری برای کلیت فرستادن پیامبران و کتب آسمانی نتایج و اهدافی بیان می کند و مثلاً می فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ مردم (در آغاز) یک دسته بودند (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آن ها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می کرد، با آن ها نازل نمود تا در میان مردم، در آن چه اختلاف داشتند، داوری کند. (افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند، و نشانه‌های روشن به آن ها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آن هایی را که ایمان آورده بودند، به حقیقت آن چه مورد اختلاف بود، به فرمان خودش، رهبری نمود. (اما افراد بی ایمان، هم چنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا، هر کس را بخواهد، به راه راست هدایت می کند.» (بقره، آیه ی ۲۱۳)

و گاهی برای احکام جزئی هم اهداف و مقاصد خاصی بیان می کند و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ ای افرادی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد تا پرهیزکار شوید.» (بقره، آیه ی ۱۸۳)؛ «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ



تَهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَذَكَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ؛ آن چه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی ها و گناه بازمی‌دارد، و یاد خدا بزرگتر است و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید!» (عنکبوت، آیه ی ۴۵)

احادیث فراوانی هم بر این مطلب تاکید دارد، مثلا امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّا وَجَدْنَا كُلَّ مَا أَحَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ صَلَاحُ الْعِبَادِ وَبِقَاؤُهُمْ وَلَهُمْ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ الَّتِي لَا يَسْتَعْنُونَ عَنْهَا وَوَجَدْنَا الْمُحْرَمَ مِنَ الْأَشْيَاءِ لَا حَاجَةَ بِالْعِبَادِ إِلَيْهِ وَوَجَدْنَاهُ مُفْسِدًا دَاعِيًا الْفَنَاءَ وَ الْهَلَاكَ؛ ما می بینیم که خدای متعال چیزهایی را حلال کرده است که مردم در زندگی و ادامه ی آن، به آن چیزها نیازمند هستند و برای آنان مصلحت و فایده ای دارد و چیزهایی را حرام کرده است که علاوه بر این که مورد نیاز بشر نیست، بلکه موجب فساد و نیستی او می‌باشد.» (محمد بن علی ابن بابویه، علل الشرایع، ج ۲، ص ۵۹۲)

از این حدیث گهربار چنین به دست می‌آید که تمام افعال و احکام الهی فلسفه و حکمت دارند ولی همه ی اسرار احکام برای همه روشن نیست و فلسفه ی بعضی احکام از انسان های معمولی پنهان است و آن چه مسلم است این است که ما موظفیم به همه ی دستورات الهی عمل کنیم و به هیچ وجه عمل به آن ها وابسته به آگاهی از فلسفه آن نیست. (محمود اکبری، نگاهی به فلسفه ی احکام، ص ۲۵)

بر اساس همین آیات و روایات متون فراوانی از گذشتگان به ما رسیده و کتاب هایی با عنوان علل الشرایع، مقاصد الشریعه و ... تدوین شده است.

البته عقل سلیم هم درک می‌کند که چون خداوند حکیم است، بدون هدف، کاری انجام نمی‌دهد و از تشریح احکام و بیان دستورات، اهداف و مقاصدی را در نظر داشته است. (ابوالقاسم حسینی (ژرفا)

، مقصدهای شریعت، صص ۱۳-۱۴)



یکی از دلایل دیگری که بر هدفمندی شریعت دلالت می کند قواعد کلی و مسلم فقه که حاکم بر جزئیات اند می باشد، قواعدی که جریان کلی آن نشان دهنده ی دنبال کردن هدفی است. مثلاً قاعده ی نفی حرج که ناظر بر بسیاری از احکام است و اگر جاری شدن حکمی موجب آزار و به سختی افتادن مکلفین باشد، حکم برداشته می شود. (محمدعلی ایازی، ملاکات احکام و شیوه های استکشاف آن، ص ۳۲۷) و در آیات قرآن هم به این قاعده اشاره شده و خداوند می فرماید: «... وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ...؛ ... و در دین (اسلام) کار سنگین و سختی بر شما قرار ندارد...» (حج، آیه ی ۷۸)

«... يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ...؛ ... خداوند، راحتی شما را می خواهد، نه زحمت شما را!...» (بقره، آیه ۱۸۵)

راه های شناخت مقاصد شریعت

یکی از راه های شناخت مقاصد شرع، اوامر و نواهی شرع است که با توجه به مباحث الفاظ و حجیت ظواهر در اصول فقه می تواند مورد بررسی قرار گیرد.

باید توجه داشت همان طور که نباید به ظواهر نصوص بی توجه بود نباید در مورد عمل به ظواهر دچار جمود، غلو و مبالغه شد بلکه باید با توجه به آن چه از علت و قصد شارع به دست می آوریم اعمال خود را مطابق با سنت ها و عرف هماهنگ کنیم. (محمدتقی علوی؛ رحیم وکیل زاده، تاملی بر فلسفه ی احکام و مقاصد شرع، ص ۱۷۶)

البته آن چه در نصوص قرآنی و احادیث مطرح می شود، گاهی احکام را بیان می کند و گاهی مقصد احکام را بیان می کند و باید به نحوه ی ادای آن توجه کرد. به طور مثال هر وقت مسئله ای با لام غایت و به عنوان نتیجه ی رسالت بیان می شود، مقصد شریعت را بیان می کند (ابوالقاسم حسینی (ژرفا)، مقصدهای شریعت، ص ۶۱) مثل آن جایی که خداوند می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا



رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منفعی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می کند بی آن که او را ببینند خداوند قوی و شکستناپذیر است.» (حدید، آیه ۲۵)

یکی از شیوه های دیگر شناخت مقاصد شرع، سکوت شارع است. البته منظور ما سکوتی که راه اجتهاد و قیاس را باز می گذارد نیست بلکه منظور سکوت شارع از وضع قانون و دادن حکمی است که با وجود مقتضی و موجب حکم و فرارسیدن زمان بیان حکم و در مقام بیان بودن شارع، حکمی بیشتر از آن چه در آن زمان مطرح بوده بیان نکرده است لذا فهمیده می شود هدف و قصد شارع همین بوده که به حد و مرز حکم موجود آن زمان عمل شود نه کمتر و نه بیشتر از آن. البته این شیوه مربوط به عبادات به معنی الاخص و در موضوع بدعت در دین است. (علوی و وکیل زاده، تاملی بر فلسفه ی احکام و مقاصد شرع ، صص ۱۷۶-۱۷۷)

تبعیت احکام از مصالح و مفاصد

برای اثبات تبعیت احکام از مصالح و مفاصد باید ثابت کنیم خداوند در کارهای خود هدفی دارد ؛ خداوند حکیم است و عقل حکم می کند فرد حکیم عملی را بدون علت و مصلحت انجام نمی دهد و چون حکمت خداوند از او جدایی ناپذیر است همه ی کارهایش هم حکیمانه است پس دستوری از خداوند صادر نمی شود که مصلحت بندگان و یا دفع مفسده ای از آن ها در نظر گرفته نشده باشد. (محمدعلی ایازی، ملاکات احکام و شیوه های استکشاف آن، صص ۱۷۵-۱۷۶)



علاوه بر این هم آیاتی از قرآن صراحتاً به این مطلب اشاره می کند و خداوند می فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ؛ آیا گمان کردید شما را بیهوده آفریده ایم، و به سوی ما باز نمی گردید؟!» (مؤمنون، آیه ی ۱۱۵) و هم چنین می فرماید: «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ* مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ؛ ما آسمانها و زمین و آنچه را که در میان این دو است به بازی (و بی هدف) نیافریدیم! * ما آن دو را جز بحق نیافریدیم ولی بیشتر آنان نمی دانند!» (دخان، آیات ۳۸-۳۹)

بنابراین احکام اسلامی از مصالح و مفاسد واقعی تبعیت می کند و حکم الهی به وجود یا عدم آن مصالح و مفاسد بستگی دارد. از نظر فقهای امامیه و بسیاری از اهل سنت هیچ باید و نبایدی در شریعت اسلامی وجود ندارد مگر این که تابع مصلحت و مفسده باشد، بنابراین هیچ جایی برای ناسازگاری احکام الهی با مصالح و مفاسد انسان باقی نمی ماند و اگر جایی به نظر می رسد که ناسازگاری وجود دارد یا احکام الهی به درستی درک نشده و یا در شناخت مصالح فردی و اجتماعی خطایی رخ داده است.

تبعیت احکام از مصالح و مفاسد عرفی نیست که فهم آن برای همه ی مردم آسان باشد بلکه تبعیت از مسائل عقلی و فلسفی است که گاهی درک آن برای مجتهد هم سخت می باشد. و مطلب دیگر این که احکام شرعی از مصالح و مفاسد نوعی تبعیت می کند هر چند ممکن است در انجام برخی واجبات و یا ترک بعضی محرّمات، ضرر شخصی وجود داشته باشد. (احمد ضرابی، نگاهی به فلسفه ی فقه، صص ۲۱۳-۲۱۷)

انواع فلسفه ی احکام

حکمت در اصطلاح به معنی جلب مصلحت یا دفع مفسده ای است که باعث تشریح حکم شده،



بنابراین حکمت یا فلسفه از طرف شارع در تشریح حکم دخالت دارد اما علت تامه ی وجود و عدم حکم نیست و ممکن است این حکمت در جای دیگری وجود داشته باشد ولی حکم وجود نداشته باشد. (ایازی، ملاکات احکام و شیوه های استکشاف آن، ص ۳۷)

در یک تقسیم بندی می توان حکمت یا فلسفه ی احکام را به سه دسته تقسیم بندی کرد:

الف) فلسفه ی آشکار : حکمت بعضی احکام قبل از حکم شارع هم روشن و مشخص است و عقل به آن ها پی می برد و اگر شارع هم بیان می کند ارشاد به حکم عقل و یا تذکر و یادآوری است مثل زشتی دروغ و خیانت و تهمت و ... و خوبی عدالت و کمک به دیگران و کار و کوشش و ...

ب) فلسفه های آشکار شده در علوم روز: روز به روز و با پیشرفت علم، فلسفه و حکمت های جدیدی از دستورات دین اسلام آشکار می شود مثل مضرات غنا و موسیقی و خوردن گوشت خوک و ... برای انسان مشخص شده است. البته تا وقتی که علم چیزی را به طور قطعی و مسلم اثبات نکند نباید پایه ی بحث در فلسفه ی احکام قرار بگیرد.

ج) فلسفه های آشکار نشده : فلسفه هایی که نه از اول روشن بوده اند و نه به مرور زمان دلیل روشن علمی برای آن به اثبات رسیده است که بیشتر در جزئیات احکام به چشم می خوردند و فلسفه ی آن ها تعبد است، مثل فلسفه ی تعداد رکعات نماز و یا فلسفه ی تغییر قبله که در قرآن به همین مطلب اشاره شده است و خداوند فرموده است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعِ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَّءُوفٌ رَحِيمٌ» همان گونه (که قبله ی شما، یک قبله ی میانه است) شما را نیز، امت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال، میان افراط و تفریط) تا بر مردم گواه باشید و پیامبر



هم بر شما گواه است. و ما، آن قبله‌ای را که قبلاً بر آن بودی، تنها برای این قرار دادیم که افرادی که از پیامبر پیروی می‌کنند، از آن‌ها که به جاهلیت بازمی‌گردند، مشخص شوند. و مسلماً این حکم، جز بر کسانی که خداوند آن‌ها را هدایت کرده، دشوار بود. (این را نیز بدانید که نمازهای شما در برابر قبله‌ی سابق، صحیح بوده است) و خدا هرگز ایمان [نماز] شما را ضایع نمی‌گرداند زیرا خداوند، نسبت به مردم، رحیم و مهربان است.» (بقره، آیه ی ۱۴۳)

چیزی که قطعی است این است که پیروی از این احکام هم مثل احکام دیگر برای ما لازم و ضروری است و چون از علم خداوند سرچشمه گرفته اند باید نسبت به آن‌ها تعبد محض داشته باشیم. (اکبری، فلسفه ی احکام، صص ۲۱-۲۳)



نتیجه بحث

از آن جایی که می‌دانیم خداوند حکیم است، به دلیل حکمتش کاری بدون غرض و هدف انجام نمی‌دهد. پس حتماً از آفرینش ما و فرستادن دین‌های آسمانی، پیامبران و کتب الهی هم اهدافی را دنبال می‌کند؛ لذا احکام شریعت هم دارای اهداف و مقاصدی هستند که در آیات و روایات هم به این مطلب اشاره شده است.

راه‌هایی مثل نص شارع و ... برای شناخت این مقاصد وجود دارد و اگر ما نتوانستیم به مصلحت و مفسده‌ی حکمی دست پیدا کنیم و یا پذیرش احکامی به صورت تعبدی بود دلیل بر وجود نداشتن هدف و مقصد در این حکم و یا مخالفت حکم عقل با حکم دین نیست؛ بلکه ما توان کشف هدف آن حکم را نداشته ایم و یا به مصلحت ماست که آن را تعبدی بپذیریم.



بنابراین احکام از مصالح و مفاسدی تبعیت می کنند که با توجه به اصول و مبانی اجتهاد و به شرط کشف دقیق و واقعی آن مصالح و مفاسدمی توانیم به حکم بعضی از موضوعات مستحدثه دست پیدا کنیم.



منابع

*قرآن کریم، ترجمه ی ناصر مکارم شیرازی.

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، علل الشرایع، قم، داوری، ۱۳۸۵.
۲. اکبری، محمود، نگاهی به فلسفه ی احکام، قم، ففتیان، ۱۳۸۹.
۳. ایازی، محمد علی، ملاکات احکام و تئیه های استکشاف آن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۴. حسینی (زرقا)، ابوالقاسم، مقصد های شریعت، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.
۵. سلطانی، محمد علی، اهداف دنیوی فقه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.
۶. ضرابی، احمد، نگاهی به فلسفه ی فقه، مشهد، پیوند با امام (ره)، ۱۳۹۲.
۷. علوی، محمدتقی؛ رحیم وکیل زاده، تاملی بر فلسفه ی احکام و مقاصد شرع، نشریه ی پژوهش های فلسفی دانشگاه تبریز، سال چهارم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، شماره ی مسلسل ۸.
۸. ملکی اصفهانی، مجتبی، فرهنگ اصطلاحات اصول، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم)، ۱۳۹۰.

